**باسمه تعالی**

موضوع: قاعده لا ضرر/مفاد لا ضرر /معنای ضرر

خلاصه مباحث گذشته:

بحث در معنای ماده ضرر برای تبیین مفاد قاعده لا ضرر بود و بیان شد که معانی متعددی برای ماده ضرر با قطع نظر از هیئت آن مطرح شده است.

### عدم تمامیت اصالت مصدر در مشتقات

مراد از ضرر در مقام مصدر در مقابل اسم مصدر و مانند آن نیست چرا که خود مصدر نیز از مشتقات این ماده به حساب می آید و هیئتی است در مقابل سایر هیئات.

اما این که گفته می شود اصل در مشتقات مصدر است و مشتقات از مصدر ساخته می شوند صحیح نیست، و مصدر نسبت به مفاد فعل لابشرط نیست، بلکه مباین با آن است و معنا ندارد مباین از مباین اخذ شود، البته ممکن است این اصل دانستن مصدر از باب کمتر تغییر کردن آن باشد و لذا برای تعلیم مناسب تر است، بنابراین معنا ندارد مصدر با هیئتی که دارد در سایر هیئت ها وجود داشته باشد.

#### ضرر به معنای نقص بعد از وجود

ضرر اگرچه به معنای نقص معنا شده است، اما منظور از نقص صرف عدم نیست بلکه مراد از آن عدم بعد از وجود است، این نکته اساس اشکال مرحوم اصفهانی و بسیاری از بزرگان بر مرحوم آخوند است، یعنی در ماده ضرر زوال و از دست دادن امر مطلوب نهفته است، بنابراین اگر کسی کمالی را داشت و آن کمال زائل شد این زوال ضرر است؛ چرا که نقص امر موجود محقق شده است، حال آن که عیب نیست زیرا نقص از کمال و سلامت نیست تا عیب محسوب شود.

##### عدم نقص مطلق بودن ضرر

بنابراین ضرر مطلق نقص نیست بلکه نقص به معنای زوال موجود است لذا فرقی نیست که فوق نصاب کمال و سلامت زائل شود یا همان کمال زائل شود البته با این قید که این نقص امر معتنابهی هم باشد لذا گفته شده که نسبت به افراد مختلف تفاوت می کند.

یعنی همان گونه که زوال اصل بینایی ضرر است زوال تیز بینی فوق العاده هم ضرر خواهد بود بدون این که عیب باشد، چرا که ضرر یک نوع نقصی است که در اثر آن شدت و ضیق و حرجی بر نوع افراد البته به لحاظ اصناف مختلف حاصل شود.

اگر در ضرر ضیق و شدت و حرج هم داخل باشد ولی اخص از حرج است، یعنی هر ضرری حرج است اما هر حرجی ضرر نیست، اخص مطلق بودن ضرر از حرج، در نتیجه اگر در جایی نتوان به واسطه لاضرر نهی از حکم شرعی نمود به می توان با دلیل لا حرج حکم شرعی را نفی نمود، چرا که بنابر تحقیق لا حرج لسان نهی دارد نه نفی .